

یکی از وظایف اصلی ما به عنوان معلم، کمک به دانش آموزان برای یادگیری است. یادگیری در یک محیط پر هرج و مرج و بی نظم به سختی میسر می شود. از این رو ما هرروزه با مشکل ایجاد و حفظ یک جو کلاسی مثبت و مولد که منجر به یادگیری شود دست و پنجه نرم می کنیم. ما در زمینه برخورد با دانش آموزان خاطی با یک سری اشتباهات متداول در [مدیریت رفتاری در کلاس درس](#) روبرو هستیم. این مقاله با هدف ارائه تعدادی از این اشتباهات نوشته شده که در ادامه ی آن، روش هایی نیز برای جایگزینی این اشتباهات قید شده است.

پیشنهادهای ما برای [برخورد با دانش آموزان خاطی](#) مبتنی بر تعدادی از مفروضات و باورها است.

- نخست و از همه مهم تر اینکه معلمان تأثیر و نفوذ قابل توجهی بر رفتار دانش آموزان دارند؛ به خصوص زمانی که مداخلات خیلی زود شروع شود و از خانه نیز مورد پشتیبانی قرار گیرد.

- ثانیاً، بیشتر بدرفتاری های دانش آموزان، ریشه در علت خاصی دارد.

این کار ما است که این علت ها را ریشه یابی کرده و رفتارهای درست را به آن ها آموزش دهیم تا جایگزین رفتارهای قبلی خود کنند.

به اعتقاد ما پیشگیری مؤثرترین شکل برخورد با دانش آموزان خاطی است. به همین دلیل، بهترین راه برای حذف رفتارهای سوء، پیشگیری از وقوع یا تشدید آن ها است.

همچنین یک رویکرد پیشگیرانه به ما کمک می کند که به جای حذف رفتارهای منفی، بیشتر بر رفتارهای مناسب برای تدریس، تمرکز کنیم. تجربیات ما نشان می دهد که نظام مدیریتی باید آن قدر انعطاف پذیر باشد که بتواند به نیازهای متغیر کلاس درس پاسخ دهد. در نهایت این نکته نیز شایان ذکر است که دانش آموزان، والدین و کارشناسان امر نیز در مدیریت رفتار نقش عمده ای دارند.

### **اشتباه اول: تعریف رفتار نامطلوب؛ آن گونه که به نظر می رسد.**

وقتی سعی می کنیم رفتاری را تغییر دهیم معمولاً آن را به گونه ای تعریف می کنیم که به نظر ما می رسد (مثل رفتار فریاد زدن، ضربه زدن و خارج شدن از صندلی).

این امر باعث می‌شود که تصویر درستی از رفتار رخ داده نداشته و در برخورد با دانش آموزان خاطمی دچار مشکل شویم. این نوع نگرش نسبت به رفتار، اطلاعات زیادی راجع به علت وقوع رفتار به ما نداده و لذا در تلاش برای تغییر رفتار چندان به کار ما نمی‌آید. برای مثال، یکی از مشکلات کلاس درس، دانش‌آموزی است که وظایف خود را انجام نمی‌دهد. حال اگر دو دانش‌آموز در این وضعیت قرار داشته باشند، ممکن است برای هر کدام، علت جداگانه‌ای وجود داشته باشد و در این صورت روش ما برای تغییر رفتار آن‌ها نیز باید متفاوت باشد.

### **راهکار جایگزین: هر رفتار نامطلوب را با توجه به کارکرد مربوط به خودش تعریف کنید.**

به‌منظور تدوین یک استراتژی بهتر برای مدیریت رفتار، باید از خودمان این سؤال را بپرسیم که کاربرد این رفتار نامطلوب چه بوده است؟ یا به عبارت ساده‌تر، با این رفتار نامطلوب، چه چیزی عاید دانش‌آموز می‌شود؟ هرچند به نظر می‌رسد رفتار نامطلوب دانش‌آموزان بدون دلیل خاصی رخ داده باشد، اما هر یک از این رفتارها هدفی را دنبال می‌کنند و در غیر این صورت رخ نمی‌دادند.

### **اشتباه دوم: طرح این پرسش که «چرا این کار را انجام دادی؟»**

اکثر اوقات دانش‌آموزان خودشان هم نمی‌دانند که چرا یک رفتار را مرتکب شده‌اند. ضمن اینکه ما نیز غالباً از جواب‌های آن‌ها راضی نمی‌شویم.

### **راهکار جایگزین: رفتار مربوطه را مستقیماً ارزیابی و نحوه عملکرد آن را مشخص کنید.**

نحوه عملکرد یک رفتار از هدفی ناشی می‌شود که دانش‌آموز آن را دنبال می‌کند (یا همان چیزی که عاید او می‌شود). همان‌طور که پیش‌ازاین گفتیم، بیشتر رفتارهای نامطلوب برای عمل به دست آوردن یا خودداری کردن به کار می‌روند. برای اینکه نحوه عملکرد یک رفتار را تشخیص دهیم، باید رخدادهای کلاس را قبل و بعد از وقوع آن رفتار بررسی کنیم. به این فرایند جمع‌آوری اطلاعات، ارزیابی عملکردی می‌گویند.

می توان از نمودار محرک - رفتار - نتیجه (ABC) می توان به عنوان یک ابزار ارزیابی عملکردی استفاده کرد.

نمودار ABC سه ستون دارد که بر روی آن، رفتار و هر آنچه قبل و بعد از آن روی می دهد را ثبت می کنیم. روش استاندارد برای ساختن این نمودار این است که یک برگه کاغذ را به سه ستون مجزا تقسیم کنیم. سپس اولی را محرک، دومی را رفتار و سومی را نتیجه نام گذاری کنیم.

### **اشتباه سوم: وقتی روشی جواب نمی دهد، باز هم بر روی آن اصرار می کنیم.**

وقتی یک روش مدیریتی خوب جواب نمی دهد، اولین کاری که می کنیم این است که با شدت بیشتری آن را انجام می دهیم. مشکل اینجا است که در اغلب موارد، ما در جهت منفی تلاش خود را افزایش می دهیم. جملات بلندتر و مایوس کننده تری را به کار می گیریم، عواقب منفی را افزایش می دهیم و نکات مثبت را از بین می بریم. این کار هیچ کمکی به آموزش رفتار درست نمی کند، بلکه در عوض با بالا بردن بار منفی، روابط دانش آموز و معلم را بیش از پیش مختل کرده و احساس سرخوردگی را در دانش آموز به وجود خواهد آورد.

### **راهکار جایگزین: روش دیگری را امتحان کنید.**

در شرایطی که ذکر شد می توان از طرق دیگری وارد شد؛ مثلاً راهنمایی مجدد به صورت کلامی، ترویج رفتارهای ناسازگار، تغییر تکالیف و تأمین سرنخها و شواهد بیشتر.

### **اشتباه چهارم: تخطی از قوانین کلاسی مناسب**

قوانین کلاسی نقش عمده ای در برخورد با دانش آموزان خاطی دارند. با این حال، قوانین به تنهایی تأثیر چندانی بر رفتار دانش آموز ندارند. در اغلب موارد، قوانین در ابتدای سال اعلام می شوند، یک بار به طور خلاصه مرور می شوند و سپس به دست فراموشی سپرده می شوند.

### **راهکار جایگزین: از چارچوب قوانین کلاس درس پیروی کنید.**

برای اینکه اثربخشی کلاس بیشتر باشد، لازم است حدود ۴ الی ۶ قانون در کلاس درس حاکم باشد. استفاده از قوانین بیش از حد نیز کار دانش آموز و معلم را سخت تر می کند. قوانین کلاسی باید ساده، مشخص، واضح و قابل سنجش باشند. میزان سادگی قانون به سن و سطح توانایی دانش آموزان بستگی دارد. ویژگی دیگر یک قانون خوب برخورداری از بیان مثبت است (برای اجازه گرفتن، دست خود را بالا ببرید). در نقطه مقابل، قوانین دارای بیان منفی نیز وجود دارند که دانش آموز را از انجام کاری بازمی دارند (با صدای بلند حرف نزنید).

### **اشتباه پنجم: تصور می کنیم همه رفتارهای نامطلوب، به خاطر نخواستن است.**

وقتی یک رفتار نامطلوب از دانش آموزی سر میزند، معمولاً این طور به نظر می رسد که مربوط به یک مشکل انگیزشی است. در چنین وضعیتی ما باید به منظور برخورد با دانش آموزان خاطی، رفتار درست را ترویج و رفتار نادرست را کنار بگذاریم. البته بسیاری از رفتارهای نامطلوب به خاطر نداشتن مهارت های صحیح است؛ نه فقدان انگیزه.

### **راهکار جایگزین: باید بدانید که بعضی از رفتارها به خاطر نتوانستن است.**

در برخورد با دانش آموزان خاطی دانستن این نکته ضروری است که بسیاری از رفتارها به دلیل فقدان مهارت است، نه فقدان انگیزه. با این گونه رفتارها باید همانند اشتباهات دانشگاهی دانش آموزان برخورد کنیم. وقتی یک دانش آموز در طول درس، خطایی را چند مرتبه تکرار می کند، ما روش تدریس خود را تغییر داده (مثلاً مثال های بیشتری می زنیم یا به دانش آموز اجازه می دهیم بیشتر تمرین کند) و آموزش های فشرده تری را ارائه می کنیم.

### **اشتباه ششم: عدم برنامه ریزی برای زمان گذار (دوره انتقالی)**

وقتی برای یک روز تدریس خود برنامه ریزی می کنیم، معمولاً زمان مورد نیاز برای عبور از یک مبحث به مبحث دیگر یا مکانی به مکان دیگر را نادیده می گیریم به این زمان ((زمان گذار)) می گوئیم. درحالی که همین عبور یا گذار، زمان زیادی از کلاس را به خود اختصاص می دهد. همین زمان های گذار در صورت عدم برنامه ریزی، منجر به بروز مشکلات رفتاری می شوند، چراکه دانش آموزان آمادگی لازم را برای آن ندارند. انتظارات ناسازگار عامل بروز این

مشکلات است. همچنین از آنجاکه ما نیز همراه دانش آموزان در حال گذار هستیم، حواسمان از آن‌ها پرت شده و مشکلات تشدید می‌شود.

### **راهکار جایگزین: برای زمان گذار به خوبی برنامه‌ریزی کنید.**

مشکلات مربوط به گذار را می‌توان با انجام چند اقدام عملی کاهش داد.

در وهله اول، بهترین کار این است که انتظارات ما از زمان گذار سازگار باشد؛ به این معنا که برای هر نوع گذار، قوانین یکسانی به کار گرفته شود. اگر قوانین دوره گذار را همراه با دانش آموزان تدوین کنیم، سازگاری ایجاد می‌شود. پس از تدوین قوانین، باید آن‌ها را به دانش آموزان خود آموزش دهیم.